



مدخلی بر مطالعات فقه و قرآن

استاد حسن حکیم‌باشی^۱

اشاره

بخش حجیمی از آیات قرآن مربوط به احکام شرعی است و آنچنانکه معروف است آیات الأحکام حدود ۵۰۰ آیه یعنی یک‌سیزدهم حجم قرآن را دربردارد. گرچه کتاب (قرآن) در دانش اصول به‌عنوان منبع استنباط فقهی مطرح شده است؛ اما متأسفانه قدر قرآن آن‌قدر مهجور است که در مواردی از آموزه‌های ناب آن غفلت داریم. در این نشست به تاریخچه رابطه فقه و قرآن اشاره و برخی علل مهجوریت قرآن در نزد فقهای شیعه بیان شده است. از این رهگذر به تألیفات آیات الأحکام و مؤلفان آنها در شیعه و اهل سنت اشاره و در زمینه مطالعات فقه و قرآن جستارگشایی شده است.

کلیدواژگان: آیات الأحکام، آیات فقهی قرآن، مطالعات فقه و قرآن، مهجوریت قرآن.

۱. این گفتار، محصول کارگروه فقه و قرآن و حدیث (اعضای حلقه‌های علمی افق، حدیث و قرآن) است و استناددهی آن توسط آقای سیدمهدی نریمانی انجام شده است. برای آشنایی با سخنران ر.ک: پایان نشست.



مقدمه

علم قرآن، شناسایی قرآن، فهم قرآن و انس با قرآن به‌عنوان یک علم و یک رشته در حوزه‌ها باید مورد توجه قرارگیرد. طلاب ما باید قرآن و یا دست‌کم بخشی از قرآن را حفظ کنند، یا حداقل با آن مأنوس باشند. چقدر مفاهیم اسلامی در قرآن هست که اگر ما بخواهیم در فقه بحث کنیم، به فکر آنها نمی‌افتیم. این انزوای قرآن در حوزه‌های علمیه و عدم انس ما با قرآن، برای ما خیلی مشکلات درست کرده است و بعد از این هم خواهد کرد و به ما تنگ‌نظری خواهد داد.

رابطه فقه و قرآن

راجع به موضوع و عنوان این کارگروه عرض می‌کنم که یقین بدانید بدون هیچ‌تردیدی در میان علوم اسلامی مهم‌ترین، با ارزش‌ترین، مستحکم‌ترین و مقدس‌ترین علم، دانش فقه است. جمعیت حاضر در جلسه طلبه هستند و در باب فقه نیاز نیست اثبات شود که فقه چقدر ارزش و اهمیت دارد. از قول یکی از بستگان امام علیه السلام نقل شد که کسی از ایشان پرسید: بالاترین علوم اسلامی کدام است؟ امام فرمودند: فقه. آن آقا پرسید: فقه که خیلی چیزی ندارد! و مثلاً انتظار داشت که امام، یکی از علوم به ظاهر ژرف‌تر و سخت‌تر را مطرح کنند. امام فرمودند: شما نخوانده‌اید! گفت: آقا ما خوانده‌ایم و دیده‌ایم. امام فرمودند: پس نفهمیده‌اید!

در مورد علم قرآن هم اساساً جای بحث ندارد و عرض می‌کنم که هرگز تقابلی بین حوزه علمی و پژوهشی و حتی آموزشی قرآن و فقه وجود ندارد و ایندو به هم مرتبط و به هم پیوسته هستند. اگر ما فقه و قرآن را یکی ببینیم، چنانکه در عنوان درست و زیبای این کارگروه هم آمده، دیگر خیالمان جمع است که دیگر بالادست این موضوع، هیچ موضوعی در حوزه علوم اسلامی و بشری مطرح نیست.

مدخل‌شناسی مطالعات فقه و قرآن

بحث راجع به مدخل‌شناسی مطالعات فقه و قرآن است و بنده به چهار مدخل اشاره



می‌کنیم. این جلسه به اصطلاح امروزی‌ها یک جستارگشایی در زمینه‌هایی است که مطرح می‌شود و تا جایی که بتوانم می‌خواهم فضا را ترسیم کنم و سپس اگر پذیرفته‌شد و دوستان به این نتیجه رسیدند که راجع به اینها می‌شود تحقیق و مطالعه کرد بحث را ادامه خواهم داد.

۱. فقه‌القرآن (فقه‌پژوهی قرآنی)؛ ۲. آیات‌الأحكام؛^۱ ۳. روش تفسیر فقهی؛ که در تقسیم‌بندی دقیقی این روش خود به دو دسته تقسیم می‌شود: تفسیر مأثور^۲ و تفسیر اجتهادی.^۳ تفسیر اجتهادی نیز چندشاخه می‌شود که شاخه اصلی آن تفسیر فقهی است. مدخل چهارم که مورد بحث ما نیز هست، فقه قرآنی است.

راجع به هر کدام از اینها می‌توان بحث کرد و شما با دقت در این مدخل‌ها، ببینید کدام یک به حوزه علوم قرآن و کدام به فقه ربط پیدا می‌کند. واقعاً مرزبندی آن مشکل است چون به تعبیر دقیق‌تر یک علم میان‌رشته‌ای است. البته یک نکته ظریف هم اینجا باید مورد توجه باشد و آن اینکه در تقسیم‌بندی گروه‌های آموزشی و پژوهشی که در یک پژوهشگاه یا آموزشگاه صورت

۱. آیات‌الأحكام، آیات دربر دارنده احکام شرعی و از جهات گوناگون قابل تقسیم است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود. (۱) از جهت نوع دلالت بر حکم: دلالت بعضی آیات بر حکم شرعی به نحو استقلال است؛ مانند: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الزَّيْءَ» (بقره: ۲۷۵) که بیع را حلال و زنا را حرام می‌داند؛ ولی دلالت بعضی دیگر به نحو انضمام است مانند «وَ فَصَالَةُ فِي عَامَتَيْنِ» (لقمان: ۱۴) که مدت زمان شیرخوارگی را دو سال می‌داند و به ضمیمه آیه «وَ حَمَلُهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵) به دست می‌آید که کمترین زمان حمل، شش ماه است؛ زیرا مدت دوران آبستنی و شیرخوارگی را ۳۰ ماه دانسته است. (۲) از جهت حکم مورد دلالت آیه: مدلول برخی آیات، حکم تکلیفی است مانند وجوب روزه که از آیه «... كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره: ۱۸۳) استفاده می‌شود، و مدلول برخی دیگر، حکم وضعی است مانند بطلان روزه در حال مرض که از آیه «... وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا ... فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» (بقره: ۱۸۵) استفاده شده است. (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۱۳۵)

۲. تفسیر مأثور: تفاسیری که نویسندگان صرفاً روایاتی را که به گونه‌ای با آیات قرآن ارتباط داشته، در ذیل آیات ذکر کرده‌اند. (علی اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۲۴)

۳. تفسیر اجتهادی: تفاسیری که نویسندگان برای آشکارشدن معانی آیات، نوعی اجتهاد و تلاش علمی مناسب کرده‌اند که دارای اقسام ذیل است: اجتهادی قرآن به قرآن، اجتهادی روایی، اجتهادی ادبی، اجتهادی فلسفی، اجتهادی علمی، اجتهادی نسبتاً جامع، اجتهادی باطنی. (علی اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۲۵) (برای مطالعه بیشتر ر.ک: تحقیقات اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۷۶، سال ۱۲، ش ۴۵، ص ۸-۱)



می‌گیرد، می‌گویند: اقتصاد، فلسفه، کلام، تاریخ، علوم اجتماعی، فقه و اصول، ادب و هنر، و قرآن. این تقسیم کاملاً غلط است؛ چون قرآن در کنار اینها نیست. قرآن یک منبع اولیه تغذیه برای همه آنها است البته اگر رویکرد درون‌دینی و اسلامی داشته باشید، و نیز یک منبع تطبیقی کلی برای همه این علوم است، در صورتی که فرادینی مطالعه شود. پس ما قرآن و فقه را در کنار هم نمی‌گذاریم بلکه قرآن یکی از منابع اصلی فقه است و چنانکه می‌دانید منابع فقه اسلامی؛ شامل کتاب، سنت، اجماع و عقل است. خوب راجع به هر کدام از مدخل‌ها، بحث‌هایی مطرح است و طبعاً اگر هر کدام از چهار موضوع را بدون آگاهی کافی مورد نیاز از سه محور دیگر بخواهیم بررسی کنیم، پژوهش و مطالعه ما ناقص خواهد بود. بسیاری از مباحث زیرمجموعه این چهار محور هم مشترکند. مثلاً فرض کنید در تفسیر فقهی (مدخل سوم) که یکی از مکتب‌ها و مشربهای تفسیری است مانند بسیاری از کتاب‌ها تاریخچه، جریانشناسی، مهم‌ترین منابع، ادوار تاریخی مشهورترین کتب در این زمینه یا قدیمی‌ترین و اولین تألیف و از این جور موضوعات را طرح می‌کنند که در بسیاری موارد، با مدخل دوم یعنی بحث آیات الأحکام متداخل است. لذا اگر کسی با بررسی‌هایی که امروزه معمول شده است درباره آیات الأحکام تحقیق کند، بسیاری از این سرفصل‌ها تکرار می‌شود؛ مانند ادوار تاریخی آیات الأحکام یا تفسیر فقهی آیات الأحکام و غیره. در خود بحث آیات الأحکام، محورهای مطرح می‌شود که مثلاً قرآن به‌عنوان یک منبع اصلی و اولیه تشریح و استنباط احکام مورد بررسی است و تا این موضوع، مطرح می‌شود، صحبت از استنباط احکام عملی پیش می‌آید که مربوط به حوزه فقه است و اینکه قرآن یکی از منابع فقهی است. پس دانش فقه و تفسیر اینجا یک نقطه اشتراک بسیار نزدیکی پیدا می‌کنند.

از دیگر محورهای مشترک، بستر تاریخی پیدایش اینها است. یعنی شیوه‌های فهم منابع (کلیات) احکام، زمینه‌های پیدایش بحث اجتهاد که بعداً پیدا شد و گسترش پیدا کرد، و نیز پیدایش اختلافات فقهی و تفاوت برداشت احکامی که در زمان پیامبر و صحابه پیش می‌آمد، تاریخ احکام بعدها گره می‌خورد با بحث ادوار مختلف تفسیری شامل تفسیر مأثور و غیر مأثور.



یعنی مدخل سوم (روش‌های تفسیری فقهی) پایه‌پای مدخل دوم (آیات الاحکام) پیش می‌آید. ضمن اینکه با محور مشترکی چون بستر تاریخی عصر تشریح در مدخل چهارم یعنی (فقه قرآنی) هم گره خورده است. البته سه مدخل اول، هرکدام جای بحث مفصل دارد؛ اما آنچه بیشتر به بحث ما مربوط می‌شود مدخل چهارم یعنی فقه قرآنی است.

فقه قرآنی یعنی فقه مبتنی بر پایه قرآن، و فقهی که اصل و اساس را قرآن می‌داند و نگاه قرآنی به فقه دارد. در این مقوله بررسی‌های فراوانی شده و طبیعتاً اوج و فرودهایی را ما شاهدیم. پرسش اول این است که آیا فقه ما، مستند و متکی بر قرآن است یا نه؟ قطعاً در زمان حضور پیامبر و معصوم علیه السلام این گونه بوده که مردم فقه خود را مستقیماً از قرآن می‌گرفته‌اند و توضیحات آن را از مفسر قرآن یعنی پیامبر و معصومین علیهم السلام می‌گرفته‌اند. بعدها کم‌کم زمینه تفسیر قرآن محدود شده و توجه پررنگ‌تر یا افراطی‌تری به حدیث شده و قرآن به کنار رانده شده است. از ادله محدودیت تفسیر قرآن، این بود که قرآن نباید تفسیر شود که به بهانه‌اش جنگ و جدلها در گرایش‌های مذهبی پیش‌آمد. بعدها می‌بینیم که حتی حدیث هم مورد ادبار یا اعراض قرار گرفت؛ اما در جریان منع تدوین حدیث، خوب باز آنچه که دست مردم است قرآن است. از طرفی قرآن محدود است و از طرف دیگر احکام، کلی.

تاریخچه نگارش کتب آیات الاحکام

فقه ارتباط بسیار نزدیکتری با قرآن داشته و قطعاً دچار افت و خیزها و فراز و فرودهایی شده است. در عصر تدوین (قرن دوم و سوم) که قطعاً زمینه پیدایش بحث آیات الاحکام است و ما شاهد کتاب‌های متعدد شیعه و سنی هستیم.^۱ اما قرن نهم و دهم که نزد شیعه معروف به دوران طلایی تدوین کتب فقه قرآنی یا تفاسیر آیات الاحکام است، آثاری چون «کنز العرفان فی فقه

۱. احکام القرآن، محمد بن سائب کلبی؛ احکام القرآن، محمد بن ادریس شافعی؛ احکام القرآن، قاسم بن اصیغ بن محمد بن یوسف؛ تفسیر الخمسة ایه فی الاحکام، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشر بن زید بن ادربن بهمین خراسانی. (برای مطالعه بیشتر ر.ک: علی اکبر کلانتری، پیدایش و تطور کتاب‌های فقه القرآن، مجله فقه، ش ۱۷).



القرآن»^۱ و «زبدۃ البیان»^۲ را داریم و بعدها «مسالک الافهام» که در این عصر، رویکرد به قرآن به نحوی زیاد می‌شود.^۳ بعدها حرکت اخباریگری شکل می‌گیرد که گویا قرآن فرع دیده شده و غیرقابل استخراج است. یعنی نمی‌تواند به اصطلاح منبع قرار گیرد. براین اساس دوباره قرآن مقداری نقشش کم‌رنگ می‌شود تا می‌رسد به دوره متأخری که اوجش را باید عصر بعد از شیخ انصاری و مرحوم آخوند خراسانی و شاگردان ایشان و دوران نجف دانست.

مهوریت قرآن در فقه

همچنان‌که می‌دانید قضایا چنان پیش رفت که گویا قرآن به حاشیه رفت و به نحوی مغفولیت پیدا کرد. آن‌چنان‌که در این اواخر، حوزه‌ها عدم احساس نیاز به قرآن داشتند و گاه آیه‌ای فقط برای تیمن و تبرک! اول باب فقهی می‌آمد و به‌عنوان متن یا ماده لازم‌التدریس والدراسه مطرح نبود. می‌گفتند قرآن ساده است و با مطالعه می‌فهمیم. دست‌کم در یک چنددهه‌ای حوزه‌های

۱. کتاب «کنز العرفان فی فقه القرآن» نوشته مقدادبن عبدالله سیوری (م ۸۲۶ق) در موضوع «آیات الأحکام» است. وی در مقدمه کتاب، چند مسئله اصولی درباره مجمل و مبین، عام و خاص و مطلق و مقید را مطرح کرده و سپس آیات را به ترتیب کتب و ابواب فقهی (از الطهاره تا ...) و نه به ترتیب سور، تفسیر کرده است. او در خلال مباحث، گاه به آرای اهل سنت نیز اشاره دارد. از در بیان اقوال علما و نقل احادیث و شأن نزول آیات، بهره‌های فراوانی از تفسیر مجمع‌البیان برده و از آن اقتباس نموده است. اشتها و اعتبار کنز العرفان نزد علمای اهل سنت هم مشابه تفسیر مجمع‌البیان است. ویژگی‌های کنز العرفان: بررسی فقهی مقارن؛ بررسی فقهی همه آیات الأحکام؛ تفسیر قرآن با قرآن؛ تفسیر قرآن با روایات؛ رویکرد فقهی در بررسی آیات الأحکام؛ بحث همه‌جانبه در ذیل آیات قرآن کریم؛ بیان معنای لغوی و شرعی هر کتاب.

۲. روش مقدس‌اردبیلی در «زبدۃ البیان فی احکام القرآن» این است که در هر بابی، آیه یا آیاتی را محور قرار داده و در توضیح آنها آیات دیگری را به‌عنوان آیات فرعی، مورد بحث قرار داده است. وی قبل از شروع کتاب طهارت، سوره فاتحه را تیمناً تفسیر نموده است و سپس به بیان آیات فقهی ابواب مختلف از کتاب الطهاره تا دیات پرداخته است. ایشان علاوه بر کتب تفسیری، به کتب فقهی از شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و... استناد نموده است که بیش از همه نظریات شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه در آن ذکر شده است. از زمان نگارش، به‌دلیل سبک و روش منحصر به فرد و استفاده از تفاسیر و کتب فقهی معتبر به فقهای بزرگ به این کتاب توجه خاصی نشان داده‌اند.

۳. اهم کتب آیات الأحکام شیعه در این عصر عبارتند از: النهایة فی تفسیر الخمسمائة آیه، علامه احمدبن عبدالله بحرانی متوفای ۷۷۱ق؛ کنز العرفان، فاضل مقدادسیوری متوفای ۸۲۶ق؛ زبدۃ البیان، مقدس‌اردبیلی متوفای ۹۹۳ق.



فقهی شیعی نسبتاً بی‌توجه به قرآن بودند. و قرآن در مبانی و مبادی فقه جایگاه لازم را نداشت.^۱ در همین دوره‌های متأخر، به‌جای اینکه قرآن، مبنا قرار گیرد، یک سری مسلمات فقهی اعم از قاعده یا شهرت یا آرای فقها یا مثلاً روش بحث‌ها مطرح و جایگزین بود و قرآن بر اینها عطف می‌شد! درست عکس همان چیزی که در صدر اسلام اتفاق افتاده بود. یعنی فقهای چهارگانه اهل سنت احتراز شدیدی از افتنا داشتند و به قرآن توجه می‌دادند و در فتوا دادن خیلی می‌ترسیدند و حتی تفسیر قرآن را برحسب آرای خودشان انجام می‌دادند. این حرکت بعداً گسترش پیدا کرد و چنان شدت گرفت که به تدریج و درگیری انجامید، تا آنجا که پیروان و هواداران هر مذهب از مذاهب فقهی اهل سنت، برای اینکه مذهب دیگر را منکوب، رد و نقض کنند بی‌رحمانه به تأویل قرآن پرداختند. این کار تا آنجا پیش رفت که آیات قرآن را با فتوای ائمه اهل سنت (شافعی یا ابن حنبل یا مالک یا ابوحنیفه) تطبیق می‌دادند. یعنی گفته را به گونه‌ای تأویل می‌پردند تا آیه قرآن با رأی فقهی ابوحنیفه مطابق شود! این، یک امر مسلمی است و بنابه نظر برخی بزرگان، یک چنین وضعیتی کمابیش در فقه شیعه هم پیدا شد! یعنی اینکه برخی فقها قرآن را گهگاهی به‌خاطر آنکه به دلخواه آن مبانی که اخذ شده است، بکشانند، تأویل می‌کردند.

دیدگاه ویژه برخی معاصران به قرآن

بعضی مثل آقای دکتر صادقی‌تهرانی^۲ نگاه اجتهادی جدیدی را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند

۱. برای اطلاع خواننده محترم از تعداد اندک کتب نگارش شده در زمینه آیات الاحکام این عصر، نام تمام کتب نگارش شده در این عصر به شرح ذیل اشاره می‌شود: معارج السؤل ومدارج المامول، علامه کمال‌الدین محمد استرآبادی متوفای ۹۰۰ق؛ تفسیر شاهی، علامه امیرالفتح حسینی متوفای ۹۸۶ق؛ مفاتیح الاحکام، علامه سراج‌الدین قاسم طباطبائی قهبائی متوفای ۱۰۹۲ق؛ قلاندالدرر، علامه شیخ احمد جزائری نجفی متوفای ۱۱۵۰ق؛ مسالک الافهام، فاضل جواد کاظمی؛ دلائل المرآم، علامه حاج ملامحمد استرآبادی (مشهور به شریعتمدار) متوفای ۱۲۶۳ق؛ درزالاتام، علامه شیخ علی شریعتمدار متوفای ۱۳۱۵ق؛ مقلادالرشاد، علامه مولی محمد مهدی مراغی حائری متوفای ۱۳۴۵ق.

۲. آیت‌الله دکتر محمد صادقی‌تهرانی، متولد ۱۳۰۵ش تهران، از محضر اساتیدی مانند آیت‌الله شاه‌آبادی؛ آیت‌الله حاج میرزاهمدی آشتیانی؛ آیت‌الله بروجردی و امام خمینی بهره جست. او اعتقاد داشت طلاب حوزه‌های علمیه چه مبتدی باشند و چه متوسط یا منتهی، باید محور اصلی تحصیلات‌شان قرآن و در حاشیه آن سنت قطعی باشد. به نظر ایشان، فقه قرآنی، فقه



که حوزه‌های ما اساساً قرآن را متروک گذاشته و فقه ما از قرآن بیگانه است. جالب این است که ایشان در باب تفسیر قرآن به قرآن و نیاز آیات الأحکام به تفسیر، مدعی است که خیلی از آرای مسلم مجمع علیه فقهای ما با صریح قرآن، ضدیت دارد! آن وقت چند مورد را می‌شمارد و در تفسیر فرقان بیان می‌کند. مثلاً می‌گوید، نکاح با زانیه علی کراهه یا کراهه شدید طبق فقهای شیعه اجماعاً تجویز شده؛ حال آنکه قرآن صریحاً این را نقض می‌کند: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^۱، این، صریح قرآن است؛ اما فتوا غیر از این است.^۲ البته ایشان شواهد دیگری را هم مطرح می‌کند. و خلاصه، فریاد و شکایت دارد که فقه ما قرآن‌محور نیست.

مشابه این تعبیرات را از مقام معظم رهبری هم داریم که مضمونش همین است. حوزه‌های ما به گونه‌ای است که طلبه ممکن است فرایند سطوح و خارج را بخواند و عرفاً بر او مدرس اطلاق شود و بعد هم مجتهد شود؛ ولی هیچ تضلع، آشنایی و خبرویتی نسبت به قرآن نداشته باشد!^۳

گویا است که همواره مستند به وحی شریعت خاتم است و فقط پویایی موضوعات را می‌پذیرد و نه پویایی احکام را و به این جهت هیچ گاه بن بستنی ندارد و بدون ذره‌ای تغییر در احکام ثابت شریعت، همیشه پاسخ‌گوی تمامی پرسش‌ها است. ایشان تفسیر ۳۰ جلدی الفرقان را با سعی بر اینکه اگر نکته‌های مغفول و یا خطایی مشهود نسبت به آن آیه مبارکه در میان تفاسیر شیعه و سنی باشد، متذکر شوند. علاوه بر تفسیر الفرقان، کتاب‌های تبصره‌الفقهاء، علی شاطی، الیجمع، به زبان عربی و رساله توضیح المسائل نوین، فقه گوید اسرار مناسک و ادله حج، مفت‌خواران و... را نوشتند که در آنها مباحث مهم فقهی قرآنی را مطرح کردند. از دیگر کتاب‌های ایشان می‌توان به نقدی بر دین‌پژوهی فلسفه معاصر (نقدی قرآنی بر کتاب‌های هرمنوتیک آقای دکتر محمد شبستری و قبض و بسط شریعت آقای دکتر سروش)، انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق، حکومت قرآن، مسافران، بر خورد دو جهل: بینی، ماتریالیسم و متافیزیک، نماز جمعه و... اشاره نمود. (www.forghan.ir/drsadeghi/biography)

۱. نور: ۳.

۲. محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱، ص ۳۷.

۳. متن سخنان مقام معظم رهبری به شرح ذیل است: «در عین حالی که فقاهت اساس امر است، نباید از دیگر علوم اسلامی در حوزه‌ها غفلت بشود. مثلاً می‌بایست علم قرآن، شناسایی قرآن، فهم قرآن و انس با قرآن به‌عنوان یک علم و یک رشته در حوزه‌ها وجود داشته باشد. طلاب ما باید قرآن و یا لاقلاً بخشی از قرآن را حفظ کنند، یا حداقل با آن مأنوس باشند. چه قدر مفاهیم اسلامی در قرآن هست که اگر ما نخواهیم در فقه بحث کنیم، به فکر آنها نمی‌افتیم. این انزوای قرآن در حوزه‌های علمیه و عدم انس ما با قرآن، برای ما خیلی مشکلات درست کرده است و بعد از این هم خواهد کرد و به ما تنگ‌نظری



این، مکانیزم و سیستم حوزه ماست.

حرکت‌هایی البته مثل علامه طباطبایی در همین حوزه هست. ایشان وقتی این مهجوریت و مغفولیت را می‌بیند با همه صلاحیت‌ها و مهارت‌های فقهی که دارد و می‌تواند برود مرجع شود، همه را کنار می‌گذارد و چاره را در این می‌بیند که آنها را ترک کند و بیاید تفسیر قرآن بنویسد. حال ثمره حرکت مبارکش را دیدیم که ادامه راهشان را بزرگانی مثل مرحوم آقای معرفت یا آیت‌الله جوادی‌آملی و دیگران دارند پی می‌گیرند.

رابطه علوم قرآنی با فقه

یکی از حوزه‌های مختلف علوم قرآنی که با مقوله فقه مرتبط است، بحث اعجاز قرآن است. اعجاز چند شاخه دارد که یکی از سه شاخه اصلی اش اعجاز تشریحی است و به این معنا است که قرآن، بهترین تشریحات را فراهم کرده است. آن‌هم نه به این دلیل که قابل قیاس با بقیه باشد؛ بلکه یک مکانیزم و سیستم قانون‌گذاری و تشریحی دارد که بشر عادی از آوردن مثل او عاجز است. یعنی بشر به دلیل محدودیتش نمی‌تواند قانونی بگذارد که اولاً جامع و بینقص باشد و ثانیاً جاودانه. به این مناسبت، طبعاً تشریحات قرآن مورد بحث قرار می‌گیرد. موضوع «ناسخ و منسوخ» یکی از رشته‌های پرمشغله علوم قرآنی است و از قدیم تاکنون هم مطرح بوده آثار مستقل و مشتمل بر این موضوع فراوان است. مباحث معنا و امکان وقوع نسخ

خواهد داد. من یک وقت در سال‌های قبل از انقلاب در مشهد در درس تفسیر، به طلبه‌ها می‌گفتم که ما از اول «بدان ایدک الله» تا وقتی که ورقه اجتهادمان را می‌گیریم، می‌توانیم حتی یک بار به قرآن مراجعه نکنیم! یعنی وضع درسی ما این‌طوری است که اگر طلبه‌ای از ابتدا حتی یک بار به قرآن مراجعه نکند، می‌تواند همین رشته ما را از اول تا آخر سیر کند و مجتهد بشود! چرا؟ چون درس ما اصلاً از قرآن عبور نمی‌کند. متأسفانه حالا هم که نگاه می‌کنیم، می‌بینم همان‌طور است. ما در فقه گاهی مثلاً یک آیه قرآن را ذکر می‌کنیم، آن هم خیلی رویش کار و تحقیق نمی‌شود؛ به قدری که در روایات ما بحث می‌شود و کار می‌شود. قرآن از حوزه ما منزوی است.»

۱. نسخ یعنی حکم وضعی یا تکلیفی که در شریعت اسلام به واسطه آیه‌ای ثابت شده است، پس از انقضای مدت اعتبارش، بواسطه نزول آیه دیگری؛ برداشته شود که به آیه اولی، منسوخ و به آیه دوم، نسخ می‌گویند. (ر.ک: سید ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۶؛ سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷۹)



و شبهات پیرامونش و ارتباطش با بداء و حتی تعداد آیاتش هم بحث دارد و موضوع پویایی است.^۱

راجع به پویایی آن، عرض کنم که مرحوم آقای معرفت معتقد بودند تنها ۲۰ آیه نسخ شده حال آنکه بعضی‌ها تا ۲۰۰ آیه قایل هستند. بعضی هم مثل آیت الله خوئی از اول معتقد بودند نسخ امکان دارد ولی واقع نشده جز در آیه نجوا. آقای معرفت به شدت و با جدیت بر استاد خود آقای خوئی منتقد بودند و مباحثشان در تمهید هم هست. اما این اواخر، پویایی رأی و تحقیق ایشان به آنجا رسیده بود که می‌گفت: استسلمت للسید الاستاذ یعنی بله نسخ نشده و این ۲۰ آیه‌ای که ما فکر می‌کردیم، این نسخ نیست. حتی در حد ۸ آیه‌ای که صبحی صالح هم می‌گوید در آن حد هم قابل قبول نیست چه برسد به ۴۰ تا و ۱۰۰ تا و ۲۰۰ تایی که بقیه گفتند.^۲ خوب! ببینید نسخ یک موضوع جاری است. آیت‌الله معرفت در تعریف نسخ می‌فرماید:

«هو رفع تشریح سابق - کان یقتضی الدوام حسب ظاهره - بتشریح لاحق بحیث لایمکن اجتماعهما معاً، إما ذاتاً اذا كان التنافی بینهما یبیناً، او بدلیل خاص من اجماع او نص صریح.»^۳

یعنی نسخ عبارت است از برداشتن حکمی که در گذشته بوده - حکمی که علی الظاهر دائمی بوده، به وسیله یک حکم جدید، به گونه‌ای که هم‌زمان بودن هر دو حکم ممکن نباشد؛ خواه این عدم امکان به خاطر این باشد که این دو حکم در ذات با هم منافات دارند و یا اینکه دلیل دیگری همچون اجماع یا تصریح شریعت باشد. چنان‌که می‌بینیم بیشتر محدوده تطبیق نسخ با احکام فقهی است. پس این بحث به شدت با آیات الأحکام مرتبط است.

۱. سید ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۶؛ سید عبدالاعلی موسوی، سبزواری، موهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷۹.

۲. برای اطلاع از اختلافات در تعداد آیات ناسخ و منسوخ ر.ک: میرابوالفتح گرگانی حسینی، تفسیر شاهی، ج ۱، ص ۷؛ سید ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۸۶؛ محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱، ص ۳۹؛ محمد واعظ زاده خراسانی، جولة فی آیات الأحکام (مقدمه کنز العرفان)، ص ۹ تا ۱۳.

۳. محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۷۱.



موضوعاتی مثل اصول فقه در قرآن، فقه اقتصادی در قرآن، اسباب نزول،^۱ و حقوق الانسان در قرآن و غیره که موضوعات مهم مرتبط با فقه و قرآن است و امروزه به عنوان سرفصل جداگانه پیگیری می‌شود. همچنین در یکی از محورهای بحث هرمنوتیک،^۲ فهم متن در افق تاریخی است. تا می‌گوییم فهم متن در افق تاریخی، باز مسئله ادوار تفسیر و مکاتب و گرایشها و در پی آن، آیات الأحکام و دوره‌های تألیف مطرح می‌شود.

آخرین محوری که در محورهای علوم قرآنی با موضوع فقه ارتباط داد، «تفسیر قرآن به قرآن» است. شاید صدمین سال تولد علامه طباطبایی بود که یک ویژه‌نامه‌ای^۳ منتشر کردیم و در آن مصاحبه‌ای هم با آقای معرفت و آقای سیدان^۴ و آقای دکتر صادقی‌تهرانی داشتیم. آنجا این بحث مطرح شد که اساساً مبنای و روش علامه تفسیر قرآن به قرآن بود و دکترین ایشان

۱. اسباب نزول، عبارت از اموری است که یک و یا چند آیه و یا سوره‌ای در پی آنها و به‌خاطر آنها نازل شده است و این امور در زمان نبوت رسول اکرم ﷺ روی داده است. (سید محمدباقر حجتی، اسباب‌النزول، ص ۲۰)

۲. هرمنوتیک (Hermeneutics): دانشی است که به «فرایند فهم یک اثر» می‌پردازد و چگونگی دریافت معنا از پدیده‌های گوناگون هستی اعم از گفتار، رفتار، متون نوشتاری و آثار هنری را بررسی می‌کند. دانش هرمنوتیک با نقد روش‌شناسی می‌کوشد تا راهی برای «فهم بهتر» پدیده‌ها ارایه کند؛ گرچه گروهی از نظریه‌پردازان هرمنوتیک، با ایجاد و تبیین «روش» در مسیر فهم مخالفند و «فهمیدن» را یک واقعه می‌دانند که قابل اندازه‌گیری و روش‌مندسازی نیست. به زبان ساده‌تر، دانش هرمنوتیک به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا روش و راهکاری وجود دارد تا خوانندگان یک متن و یا بینندگان یک اثر هنری، با بکارگیری آن روش، به دریافت معنای ثابت و مشخصی از آن اثر یا متن دست یابند؛ یا اینکه درک و فهم هر مخاطبی مختص اوست و با دیگری تفاوت دارد. در برابر واژه هرمنوتیک، بیشتر از کلمه «تفسیر» و یا «تأویل» استفاده می‌شود، هرچند که این دو لفظ، ترجمه‌های مناسبی برای واژه هرمنوتیک نیستند.

۳. مجله پژوهش‌های قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۷۶، ش ۹-۱۰.

۴. آیت‌الله حاج سید جعفر سیدان در سال ۱۳۱۳ش در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. ایشان از محضر درسی اساتیدی مانند حاج میرزااحمد مدرس، حاج شیخ هاشم قزوینی، شیخ مجتبی قزوینی و دیگران تلمذ نمود. وی که از مدافعان جدی مکتب تفکیک است، تاکنون متجاوز از ۲۵ کتاب و رساله از قبیل دروس اعتقادی، میزان شناخت، جبر و قدر، معاد، فوائد ذویه، آیات‌العقائد، تفکیک یا روش فقهای امامیه، شرح خطبه ۱۵۶ نهج‌البلاغه، مناظره در مسئله‌ای از معاد، و بیش از ۲۰۰۰ نوار کاست از دروس کلام و تفسیر و اخلاق و... را به جامعه دینی عرضه داشته است. برای بیشتر رک: (www.seyyedan.com/Biography.aspx)



این بود که قرآن خودش بین، روشن‌نگر و هادی است. لذا پرسیدیم قرآن وقتی خودش همه‌چیز را می‌تواند روشن کند آیا برای روشن شدن خودش باید به روایت مراجعه کرد؟ اگر روایت بخواهد تعیین تکلیف کند، این قضیه، خلاف بین بودن و هادی بودن قرآن است! از همین جا پرسشی نو پدید می‌آید که در این صورت، جایگاه روایت و سنت و معصوم در تفسیر قرآن از دیدگاه علامه چه بوده است؟ آیا علامه نقش روایت را قبول ندارد؟ آیا این حرف علامه به نحوی نهایتاً به «حسبنا کتاب الله» نمی‌انجامد؟!

این یک بحث جنجالی است. علامه طبق مبانی ثابت می‌کند که قرآن برای بیان کردن خودش و رفع مشکلات در فهم آیات خودش، نیاز به هیچ چیز ندارد و البته یادآوری می‌کند که این مکانیزم را اهل بیت علیهم‌السلام به ما آموخته‌اند. بعد می‌گوید: البته دو مورد استثنا داریم: یکی، حروف مقطعه - که اصلاً فهمیده نمی‌شود - و دوم، آیات الأحکام.^۵ علامه تصریح می‌کند و یک اصل مسلم می‌گیرد که در آیات الأحکام اگر بخواهید پافشاری کنید که قرآن به قرآن تفسیر می‌شود، غلط است؛ چون اساساً قرآن نیامده که چگونگی انجام نماز و روزه و تمام احکام عبادی و معاملاتی ما را دقیق بیان کند؛ بلکه در کنار قرآن «لُتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ»^۶ پیغمبر و معصومین علیهم‌السلام هستند. آقای دکتر صادقی‌تهرانی می‌گوید نخیر! آقای طباطبایی همین جا اشتباه رفته و کم‌لطفی کرده است. ما حتی آیات الأحکام را هم می‌توانیم با روش تفسیر قرآن به قرآن بفهمیم و با تأکید شدید می‌گویید هیچ نیازی به روایت نداریم.^۷

این در حوزه آیات الأحکام و تفسیر قرآن بود. پس مبنای تفسیر قرآن به قرآن، محدوده و گستره حداقلی و حداکثری‌اش در ارتباط مستقیم با بحث‌های فقهی و آیات الأحکام است.

۵. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۱۳؛ جوادی آملی، مقدمه ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱-۳۵.

۶. نحل: ۴۴.

۷. محمد صادقی‌تهرانی، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن، ج ۱، ص ۳۳.



تفاوت تألیفات در حوزه آیات الأحكام

در تفاسیر آیات الأحكام، یک تفاوت را عرض کنم که تفسیر فقهی یعنی اینکه همه قرآن براساس گرایش فقهی و با نگاه پُررنگ فقهی تفسیر شود. یعنی مفسر ملتزم و متعهد باشد و وقتی به آیات فقهی رسید به طور مستوفی بحث کند. نمونه بارز این کار تفسیر قرطبی^۱ بهنام «الجامع لأحكام القرآن»^۲ است. این کتاب، تفسیر کامل البته با گرایش پُررنگ فقهی است. اکثر اهل سنت به ترتیب آیات قرآن، آیات الأحكام نوشتند مثل جصاص^۳ و ابن عربی^۴ ولی اکثر فقهای شیعه به ترتیب ابواب فقهی مشهور، آیات الأحكام می نوشتند.^۵

محور بعدی محدوده احکام قرآن است که اثرش را در تعداد آیات الأحكام نشان می دهد. اینجا هم تفاوت نظر زیاد است. ظاهراً حداقل ۳۵۰ آیه و تا رقم ۵۰۰ تا هم گفته اند. اولین کسی که رقم

۱. ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی از مفسران و فقهای بزرگ مالکی در قرن هفتم و متوفای ۶۷۱ ق است.

۲. این کتاب مفضل با گرایش فقهی است و نام اصلی آن «الجامع لأحكام القرآن والمبین لما تضمنه من السنة و آي الفرقان» است. بخش عمده این تفسیر به بیان احکام فقهی و اختلاف مذاهب فقهی اختصاص دارد، با این همه، قرطبی از ابعاد دیگر آیات غافل نبوده و به مباحث کلامی و اخلاقی و ادبی و تاریخی و اجتماعی نیز پرداخته است. قرطبی در خطبه کتاب به روش تفسیری خود و شیوه های دیگر مفسران اشاره کرده و در مقدمه ای مفضل، مباحثی درباره آداب تلاوت قرآن، اعراب و تعلیم آن، ثواب قرانت قرآن، تفسیر به رأی و ویژگی های آن، اعجاز و عدم تحریف قرآن آورده است.

۳. حافظ ابوبکر احمد بن علی جصاص، فقیه، محدث و مفسر بزرگ حنفی قرن چهارم است. از جصاص آثار علمی متعددی بر جای مانده که مهم ترین و مشهورترین آنها احکام القرآن است که بارها چاپ شده است.

۴. ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن احمد معافری اشبیلی ابن عربی (۴۶۸-۵۴۳ ق)، فقیه مالکی و محدث نامدار اندلس بود. او از محضر اساتیدی مانند ابوالقاسم حسن بن عمر هوزنی، ابو عبدالله سرقسطی، ابوالفتح مقدسی، ابومحمد بن اکفانی، ابوالفضل بن فرات شیعی، ابوبکر شاشی، خطیب تبریزی و امام محمد غزالی بهره جسته است. او در احکام القرآن به ترتیب سور، آیات احکام را مورد بررسی قرار داده و جابه جا به بحث های اصولی و ادبی پرداخته است. این اثر چندین بار از جمله در ۱۹۵۷-۱۹۵۹ م به کوشش علی محمد بجاوی در قاهره به چاپ رسیده است.

۵. ر.ک: فاضل مقداد، کنز العرفان؛ مقدس اردبیلی، زبدة الأحكام.



۵۰۰ تا را آورده مقاتل^۱ بود.^۲ که از مفسرین مطرح در قرن دوم و در کنار او محمد بن سائب کلبی (متوفی ۱۴۶ق)^۳ است که شیعه بود و شاید اولین تفسیر قرآن و همچنین اولین آیات الأحکام را او نوشت. گویا او همین حدود ۵۰۰ آیه را ذکر کرده و کتابش اکنون موجود نیست. در کتاب‌ها گاهی می‌نوشتند «فی خمس مائة آية للأحكام»^۴ که گویا مسلم و مفروض می‌گرفتند ۵۰۰ آیه است. بنابراین در محدوده آیات الأحکام و تعدادش چند قول است که البته مشهور ۵۰۰ آیه است.^۵ قول ۳۵۰ آیه مربوط به فاضل مقداد^۶ است که در کتابش (کنز العرفان)^۷ که شاید مهم‌ترین کتاب شیعه در این زمینه باشد، نقل می‌شود. البته از مرحوم آقای معرفت نقل است که «ما اگر حکم را اعم بدانیم از آنچه که در رفتار انسان و در زندگی انسان تأثیر دارد؛ بنابراین باید بگوییم همه قرآن کتاب آیات الأحکام است.»^۸

۱. ابوالحسن مقاتل بن سلیمان بن بشیر از دی مروزی بلخی از مفسران و محدثان مشهور زیدی در قرن دوم هجری است. وی در شهر بلخ از شهرهای خراسان قدیم بین سال‌های ۸۰-۹۰ق متولد شد و در مرو به موعظه پرداخت. وی سپس برای تدریس به بغداد رفت و سال ۱۵۰ق در بصره درگذشت. او را از اصحاب صادقین علیهم‌السلام معرفی می‌کنند و تألیفات زیادی دارد. کتاب «التفسیر الکبیر»، و «الوجه والنظار» از اوست.

۲. نام کتاب وی «تفسیر خمسمائة آية من القرآن الکریم» است که در کتابخانه بریتانیا، به رقم ۶۳۳۳ نگهداری می‌شود.

۳. ابونضر، محمد بن سائب کلبی (۱۴۶ق)، از شیعیان قرن دوم است که برای نخستین بار دست به تألیف کتاب در زمینه آیات الأحکام زده است. وی صاحب «تفسیر مجموع القرآن» نیز هست.

۴. نام برخی از این کتب عبارت است از: فخرالدین ابن متوج بحرانی، التهایة فی تفسیر خمسمائة آیه؛ و جمال‌الدین بن متوج بحرانی، منهاج الهدایة فی تفسیر خمسمائة آیه.

۵. محمد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۳، ص ۶.

۶. شیخ ابو عبدالله مقداد بن عبدالله بن محمد بن حسین بن محمد سیوری حلی اسدی غروی معروف به فاضل سیوری و فاضل مقداد (۸۲۶ق) است. وی از شاگردان شهید اول است که نحوه شهادت استادش را نقل کرده است. فاضل مقداد دانشمندی محقق، پژوهشگری ژرف‌اندیش، صاحب‌نظری توانا در دانش‌ها کلام، فقه، اصول، معانی بیان، قرآن، حدیث و منطق و دارای تألیفات ارزشمندی است که نزد دانشمندان شیعه و سنی شهرتی فراوان دارد.

۷. فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۵.

۸. محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۹۹.



دو محور مهم قابل بررسی

۱. ما از فقه چه تعریفی داریم تا تعداد آیات فقهی مشخص شود؛
۲. معنای اصطلاحی آیات الأحكام و تعریف آن چیست. البته این بحث از نظر اهمیت در رتبه بعدی است.

دسته بندی آیات الأحكام

آیات الأحكام دسته بندی هایی نیز دارد که شاید بهترین آن را زرکشی^۱ انجام داده باشد. مباحثی اینجا مطرح می شود که به صورت تحلیلی ارائه می شود. من به عنوان یک تجربه و به اصطلاح درس عبرتی که گرفتم این را عرض می کنم. با مطالعه ۳۰-۴۰ کتاب به کتاب «التفسیر والمفسرون»^۲ مرحوم آقای معرفت رسیدیم که ایشان در صفحه ای بحث را نهایی کرده؛ طوری که اگر این کتاب را در ابتدا ملاحظه می کردم، اصلاً نیاز به بقیه نبود. ایشان حدود ۴۰ صفحه تفسیر فقهی را به عنوان اولین گرایش از گرایش های فرعی مکتب «تفسیر اجتهادی» مطرح کرده و سپس برای تفسیر فقهی به تحلیل هشت محور پرداخته اند. این محورها در مقوله تفسیر فقهی و بحث آیات الأحكام بسیار فشرده و پُر بار بیان شده اند. ایشان به این موضوعی که الآن عرض کردیم و گفتیم زرکشی گفته، آیات الأحكام ۵۰۰ آیه است و غزالی و دیگران هم همین را گفتند، می پردازند و می گویند: رازی که منظور ابوبکر جصاص باشد هم همین نظر را دارد. آقای معرفت سپس درباره «البرهان» زرکشی می گویند این کتابی است که اهمیت آن، مانند «الإتقان»

۱. ابو عبدالله بدرالدین بن بهادرین عبدالله یا عبدالله بن بهادر زرکشی (۷۴۵ق-۷۹۴ق) فقیه، مفسر، اصولی، محدث، ادیب بزرگ شافعی است. او از محضر اساتیدی همچون جمال الدین اسنوی و سراج الدین بلقینی بهره جسته است. کتاب «آیات الأحكام» که چکیده ای از آرای محققان متقدم و به زبان عربی تألیف شده، مشتمل بر مقدمه، دو فصل و ۴۷ باب است.

۲. کتاب «التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب» را مرحوم آیت الله محمد هادی معرفت به این صورت تنظیم کرده است؛ وی پس از مقدمه کوتاه در سه بخش تنظیم یافته است. بخش اول شامل مباحثی مفهوم شناسانه در مورد واژه تفسیر و مباحثی پیرامون آن، بخش دوم مراحل پنجگانه تفسیر و بخش سوم به روش های تفسیری اختصاص دارد.



سیوطی است، مخصوصاً «البرهان»ی که تحقیق یوسف عبدالرحمان المرعشلی^۱ است. زرکشی در بیان یکی از انواع ۴۷ گانه علوم قرآن به بحث نوع سی و دومش یعنی «آیات الأحکام» می‌پردازد. زرکشی ۷-۸ کتاب مهم در این زمینه را که تا آن زمان تألیف شده بوده، ذکر می‌کند.^۲ زرکشی شاید تنها کسی باشد که برای آیات الأحکام دسته‌بندی علمی دارد؛ که البته بعدی‌ها از ایشان استفاده کردند. آقای معرفت مثال‌های مهمی در مباحث علمی دارند. مثل عدم جواز قضاوت برای زنان که از آیه «أَوْ مَن يَنْشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ»^۳ استفاده می‌شود.^۴ یا مثال استنباط غیرمستقیم که از به هم پیوستن و چسباندن دو آیه پیش می‌آید. ایشان مثال آن قضیه‌ای را می‌زند که خانمی در شش ماهگی بچه به دنیا آورده بود و عمر می‌خواست او را حد بزند. امام علی علیه السلام او را به اصطلاح نجات دادند. آقای معرفت تعبیر خیلی زیبایی دارد که عمر نزدیک بود، زن را حد بزند: «لولا أن تداركه الإمام علي عليه السلام و...» خلاصه حضرت فرمودند که: «حَمَلُهُ وَفِصَالُهُ تَلَاثُونَ شَهْرًا»^۵ «وَأَلْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرِّضَاعَةَ»^۶ اگر این دو آیه را در کنار هم بگذاریم نتیجه می‌گیریم که اقل حمل می‌تواند شش ماه باشد.

۱. وی از عالمان سعودی و اهل حدیث است که در تتبع و احیای متون تخصص دارد. او البرهان زرکشی را در ۴ جلد چاپ کرده و بدین ترتیب، چاپ معروف محمد ابوالفضل ابراهیم را از دور خارج ساخته است. این کتاب به سال ۱۴۱۰ق در بیروت چاپ شد. پاورقی‌ها و تتبعات و فهرس فنی این کتاب واقعاً محیرالعقول است. تخصص اصلی او در فهرسة الحدیث و به اصطلاح شاخه‌های حدیث و اجازات است. او همچنین کتاب «المجمع المؤسس للمعجم المفهرس» ذهبی را که صاحب تاریخ الاسلام است در ۴ جلد تحقیق کرده است.

۲. یوسف عبدالرحمن المرعشلی در پاورقی با خط ریز گاهی در ۲۰-۳۰ صفحه منابع بیشتر بحث ما را معرفی می‌کند.

۳. زخرف: ۱۸.

۴. ر.ک: محمد هادی معرفت، تعلیق و تحقیق عن أمهات مساليل القضاء، ص ۳۰۸.

۵. احقاف: ۱۵.

۶. بقره: ۲۳۳.



همچنین فرمایش امام جواد علیه السلام در بحث قطع ید سارق که از مفصل باشد یا مرفق، نیز از جمله بهره‌بری از روش‌های استنباط غیرمستقیم آیات است که مرحوم آقای معرفت مفصلاً توضیح داده‌اند.

معرفی چند کتاب آیات الأحکام

آیت‌الله معرفت اهم کتب آیات الأحکام را یازده اثر برمی‌شمرد که پنج اثر از شیعه و شش اثر از اهل سنت است. ایشان درباره «احکام القرآن» جصاص بهترین نگاه تحلیلی را ارایه کرده است. احکام القرآن (منسوب به) شافعی که در اواسط قرن پنجم، ابوبکر بیهقی نیشابوری^۱ جمع کرده و گویا از آثار شافعی و منسوب به اوست؛ احکام القرآن کیهراسی؛^۲ و احکام القرآن ابن عربی و آن جور که بر می‌آید، مهم‌ترین کتاب احکام القرآن در اهل سنت همین کتاب است و بعد از آن به

۱. ابوبکر بیهقی نیشابوری در کتاب «احکام القرآن» با ارایه دیدگاه‌های محمد بن ادریس شافعی مؤسس مکتب فقهی شافعیه برآمده است و از قدیمی‌ترین متون باقیمانده این رشته می‌باشد. مهم‌ترین آرا و نظریات شافعی درباره قرآن و حجیت آن، رابطه آن با سنت، مسئله نسخ قرآن با قرآن و عدم نسخ آن با سنت متواتر که از شاذترین آرا در عالم اسلامی است. مسایل دیگر اصولی مانند استحسان و نیز مهم‌ترین مسایل فقهی قرآن در این کتاب آمده است. در واقع شافعی پس از بیان مهم‌ترین پایه‌های اصول فقه به استنباط احکام آیات فقهی پرداخته است. روش کلی در بررسی مباحث به این گونه است که بیهقی سعی نموده بر طبق ابواب فقهی که از طهارت آغاز می‌گردد، مطالب شافعی را بیان کند. در این بین مباحثی غیرفقهی اصطلاحی که می‌توان از دیدگاه اهل سنت آنها را احکام قرآنی نامید نیز لابلای ترتیب فقهی مطرح شده است که در نتیجه آغاز کتاب با تفسیر برخی آیات متفرقه می‌باشد.

۲. «احکام القرآن» ابوالحسن علی بن محمد طبری کیهراسی از مهم‌ترین کتاب‌های نگارش یافته در احکام قرآن به نزد شافعیان است. شیوه کلی وی در طرح مباحث به این ترتیب است که ابتدا و به ترتیب سوره‌ها، آیاتی را که می‌توان از آنها حکمی برداشت کرد، ذکر می‌کند، در صورت وجود شأن نزول برای آن را بیان نموده سپس به بررسی آیه پرداخته، استدلال خود را بر اساس برداشت‌های فقهی شافعی بیان می‌دارد. اقوال دیگر مذاهب فقهی اهل سنت را در برخی موارد ذکر و استدلال آنها را مطرح و رد می‌نماید. ایشان در تبیین، توضیح و استدلال خود از اقوال صحابه و تابعین و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بهره می‌برد؛ و در مقابل شبهاتی که جصاص و دیگران بر مذهب شافعی وارد کرده‌اند، خود را موظف به پاسخگویی می‌شمارد و درصدد پاسخ برمی‌آید. در کنار دفاع از مذهب شافعی نقد فراوانی بر مذهب ابوحنیفه وارد می‌کند.



راوندی برخورداریم که فقه القرآن دارد. قدیمی‌ترین اثر باقی‌مانده از فقهای شیعه در رابطه با فقه القرآن که منبع بسیار ارزشمندی است.

اما سه اثری که قرن ۹ و ۱۰ تألیف شدند، عبارت است از: «کنز العرفان» فاضل مقداد سیوری، «زبدۃ البیان» مرحوم محقق اردبیلی و «مسالک الأفهام» فاضل جواد^۲ که متأخر است. مسالک الافهام شاید مشروح زبدۃ البیان باشد که علمی‌تر و دقیق‌تر بحث کرده است.

جناب حاج آقای ربانی بیرجندی یک‌بار کتاب «زبدۃ البیان» را معرفی کردند که در مجله پژوهش‌های قرآنی^۳ چاپ شده است. مقاله‌ای هم در شماره ۱۳-۱۴ همین مجله داریم که میان تفسیر قرطبی و زبدۃ البیان مرحوم اردبیلی مقایسه شده است. این دست کارهای تطبیقی خیلی ارزشمند است.

در محدوده احکام نیز یک منبع قابل ذکر، کتاب فقه پژوهی آقای ایازی^۴ است. این کتاب

۱. این کتاب توسط فقیه مفسر، محدث ادیب، قطب‌الدین سعید بن هبة الله راوندی، از علمای بزرگ شیعه در قرن ششم هجری نگاشته شده است. در این کتاب جمع‌آوری آیاتی که مربوط به مباحث فقهی است با جامعیت بی‌نظیری، انجام شده که شاید بتوان گفت ایشان از پیشگامان در این زمینه هستند. کتاب حاضر به ترتیب مباحث فقهی، یعنی از طهارت تا دیات نگاشته شده است و گفتنی‌های درخور توجه که با مباحث تفسیری و فقهی و اقوال علمای این دو علم، اعم از شیعه و سنی درهم آمیخته شده، در آن به خوبی خودنمایی می‌کند و تلفیق نوینی میان نظریات فقهی و تفسیری که به ظاهر با هم اختلاف دارند به نوعی سازگاری ایجاد نماید.

۲. جواد بن سعید بن جواد کاظمی، معروف به فاضل جواد (زنده در ۱۰۴۴ق) در نگارش این کتاب به تفسیر آیاتی از قرآن پرداخته که در آنها احکام فقهی بیان شده است. ترتیب این کتاب براساس ترتیب کتب فقهی تنظیم شده و مملو از تحقیقات فقهی و دقیق و نکات ادبی است. مؤلف از میان فقهای گذشته به ذکر نظریات سید مرتضی (م ۴۳۶ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و علامه حلی (م ۶۷۶ق) اکتفا نموده است. همراه با این نظریات، به اقوال ذکر شده در تفسیر البیضاوی (م ۶۸۵ق)، مجمع البیان طبرسی (م ۵۴۸ق)، التبیان شیخ طوسی و نیز نظریات بزرگان اهل تسنن در کتاب‌های تفسیری و فقهی آنان نیز اشاره شده است.

۳. صاحب امتیاز فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، و مدیر مسئول آن آقای دکتر سید عباس صالحی است. آدرس سایت: www.quran-p.com

۴. سید محمد علی ایازی (متولد ۱۳۳۳ش) یکی از قرآن‌پژوهان معاصر است. وی تحصیلات حوزه‌ای خود را از سال ۱۳۴۷، در حوزه علمیه مشهد آغاز کرد و اینک در قم به تحصیلات عالی، اعم از فقه و فلسفه و عرفان اشتغال دارد. اهم آثار: المفسرون



به لحاظ نگاه تحلیلی جزو آثار کم نظیر است. نگاه ایشان اساساً به آیات الأحکام نبوده؛ بلکه نگاه از زاویه فقه پژوهی قرآن بوده و البته کمتر کتابی به این مشروحو و شکل تحلیلی داریم. آقای فاکرمیبدی نیز کتابی به نام «بازی پژوهی آیات الأحکام»^۱ دارد که کتاب بسیار ارزشمندی است. کتاب ایشان مجموعه جالبی شبیه کتاب های آقای رضا مختاری است.^۲ بعضی از این کارها این ارزش را دارد که محدوده کار را مشخص می کند.

کتاب دیگر «فرهنگ قرآن» است که جناب آیت الله هاشمی رفسنجانی با همکاری دیگران انجام داده و در ۳۳ جلد تدوین یافته است. جلد ۱۱ این کتاب، تماماً دایرةالمعارفی با عنوان «حکم» است. لذا مدخل آیات الأحکام هم ندارد و به کلیاتی از حکم آثار فقهی قرآنی پرداخته است. فرهنگ قرآن یعنی نهایت تتبع و استقصا در پیدا کردن آیه از موضوع. یعنی از موضوع به آیه رفته، چنانکه تفسیر راهنما به عکس این، یعنی از آیه به موضوع می پردازد. موضوعها استقصا

حیاتهم و منهجهم، آشنایی با تفاسیر، سیر تطور تفاسیر، جامعیت قرآن، قرآن و تفسیر عصری، قرآن و فرهنگ زمانه، آشنایی با قرآن، تفسیر پژوهی (مجموعه مقالات)، گاهی به مسئله گردآوری قرآن، دانش تفسیر، مبانی و روش ها و سیر تطور آن، مقدمه و مبانی نظری آیات الأحکام، کتاب «فقه پژوهی قرآنی» درآمدی بر مبانی نظری آیات الأحکام است که در سال ۱۳۸۰ش توسط بوستان کتاب چاپ شد. مولف در این کتاب طی نه فصل به توضیح برخی از مباحث مقدماتی و نظری درباره فقه پژوهی قرآنی همت گمارده است. در فصل نخست، قرآن به منزله یکی از منابع فقهی بررسی شده، همچنین ویژگی های فقه قرآن و ادله تشریحی بودن آن بیان گردیده است. در فصل دوم مطالبی درباره حدود فقه و احکام قرآن، تعداد آیات احکام و طبقه بندی آنها به طبع رسیده است. در فصل سوم شرحی از احکام عبادی پیش از اسلام و پس از آن فراهم آمده است. فصل چهارم به مطالبی در باب جامعیت شریعت و جامعیت دین به مثابه یکی از مباحث معرفت شناسی آیات احکام اختصاص یافته است. عناوین دیگر فصل های کتاب بدین قرار است: مثل ها در آیات احکام؛ قصه ها در آیات احکام؛ استنباط از آیات اعتقادی؛ اخلاقیات در آیات احکام؛ و فرازهای قطع شده قرآن.

۱. محمد فاکرمیبدی، فرزند علی اکبر در ۱۳۳۸ش در میبد متولد شد. برخی از اساتید وی عبارتند از: آیات عظام محسن دوزدوانی، احمد پایانی، علی پناه اشتهاردی، ناصر مکارم شیرازی، حسین وحید خراسانی؛ محمد فاضل لنکرانی و آیت الله عبدالله جوادی آملی و محمد هادی معرفت. یکی از کتاب های ایشان «بازی پژوهی آیات فقهی قرآنی» است که به عنوان درس نامه آیات الأحکام در ۳۷۸ صفحه، توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در ۱۳۸۵ش چاپ شده است.

۲. آقای مختاری، پژوهشی تفصیلی در باب موسیقی دارد که در چهار جلد بزرگ تدوین یافته و پرونده علمی بحث غنا است. ایشان شبیه این کار را در «رؤیت هلال» دارد که پنج جلد دارد و از مجموعه کارهای ارزنده در این موضوع است.



شده، سپس فهرست شده و بعد در نرم‌افزار تنظیم یافته است.

مباحث این جلد از فرهنگ قرآن، تشریح فلسفه تشریح در هفت‌محور و سپس بحث حکم است: حکم آب، حکم آبرو، حکم آتش، و... در این کتاب تقریباً حدود ۴۰۰ مورد حکم را الفبایی و به صورت مدخل‌هایی تنظیم کرده که آیاتش را با آدرس و ذکر تمام آیه آمده است. مثلاً حکم طاعت خودش ۶۵ مورد زیرمجموعه دارد؛ حکم ازدواج مثلاً ۴۷ شماره فرعی دارد، حکم دعا ۴۱ محور دارد و غیره.

آنچه عرض شد، مقدمه‌ای بر تحقیقات فقهی قرآنی بود و هدفم این بود که برخی محورها جستارگشایی شود. در مورد منابع بیشتر می‌توانید به شماره‌های ۳ و ۴ فصلنامه پژوهش‌های قرآنی که مرتبط با آیات الأحکام است مراجعه کنید و بهره ببرید.

پرسش و پاسخ

تفاوت آثار متقدمان با تألیفات عصر حاضر

بین کارهای مرحوم مقدس اردبیلی یا فاضل‌مقداد با آثار معاصرانی چون مرحوم آقای شانه‌چی^۳ و آقای زین‌العابدین قربانی^۴ و غیره که زیاد هم هست، تفاوت زیادی هست و آثار قدمای این بحث، فرازمانی‌اند و می‌توان ادعا کرد هنوز هم اثر قابل‌توجهی مانند متن قوی

۳. حجت‌الاسلام والمسلمین کاظم مدیرشانه‌چی (۱۳۰۶-۱۳۸۱ مشهد) از علمای بنام عرصه حدیث و روایت است. او درس مقدماتی و ادبی حوزه را از محضر علمایی همچون ادیب نیشابوری، ادیب هروی و مدرس یزدی فرا گرفت. وی از بنیان‌گذاران دانشکده الاهیات دانشگاه مشهد بود. تألیفات استاد شانه‌چی در زمینه حدیث و فقه اسلامی فراوان بوده که گزیده‌ای از آنها عبارتند از: علم‌الحدیث؛ ترجمه و شرح تبصره؛ روش استنباط و سنن‌النبی ﷺ؛ آیات الأحکام؛ درایة‌الحدیث؛ تاریخ فقه مذاهب اسلامی؛ حج پیغمبر ﷺ؛ مزارات خراسان و تاریخچه ادوار منطق. استاد مدیرشانه‌چی در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۱ در ۷۵ سالگی وفات کرد و در حرم امام رضا ﷺ به خاک سپرده شد. ویکی‌پدیا

۴. آیت‌الله زین‌العابدین قربانی لاهیجی (۱۳۱۲ ش) امام جمعه رشت و نماینده ولی‌فقیه در استان گیلان است. او نماینده استان گیلان در مجلس خبرگان رهبری است. وی در طی تحصیل از محضر بزرگانی همچون، علامه طباطبایی و حضرات آیات: امام موسی صدر، مشکینی، سلطانی، رضا صدر، محمدحسین بروجردی و امام خمینی بهره برده است. ایشان کتاب «تفسیر جامع آیات الأحکام» را در هشت جلد به رشته تحریر درآورده است که تا کنون، چهار جلد آن چاپ شده است.



کنز‌العرفان که به لحاظ محتوا از آیات الأحکام‌های قرن ۱۱ و ۱۲ است، نداریم! گرچه نگاه‌هایی مثل کتاب آقای شانه‌چی ارزش خودش را دارد چون به‌عنوان یک متن قابل تدریس در محیط‌های علمی نوشته شده و یک بازسازی و محدودسازی در مباحث صورت گرفته است، طوری که هنوز هم بعضی‌ها با این نگاه کار می‌کنند که دیدگاه غالب هم هست. مثلاً حجت‌الاسلام دکتر عبدالکریم عبداللہی نژاد، کتابی با عنوان «تفسیر آیات الأحکام»^۱ با این نگاه دارند که گفتند، حاصل ۲۰-۳۰ سال تجربه‌شان در تدریس است. به کارهای اخیر باید مثلاً نگاه منطقی‌ای و محدوده زمانی داشت نه یک اثر ماندگاری که فرازمانی باشد.

کتاب اشاره‌دار به آیات الأحکام

بحث عمده دیگر، کتبی است که به‌طور ضمنی به بحث آیات الاحکام پرداخته‌اند. مثلاً کتاب، ظاهرش حوزه علوم اجتماعی است؛ اما به آیات فقهی هم پرداخته است. یا مثلاً راجع به زن در قرآن است؛ اما چون بسیاری از مطالب بحث زن در قرآن، فقهی است و فوارق فقهی بین زن و مرد بیان شده است، لذا این را هم تحقیق کرده است. یا فرض کنید گاهی ضمن تفسیر یک سوره‌ای به بحث آیات الاحکام پرداخته است. مثلاً آقای دکتر احمد بهشتی کتابی به نام منشور عفاف^۲ دارند که ۵۰۰-۶۰۰ صفحه است و دفتر تبلیغات چاپ کرده است. یا تفسیر سوره نور و مشابه آن مباحث فقهی را هم دارد و ثقل مباحث، فقهی است. همچنین از جمله بحث‌های درگیر و قابل توجه، ضمن بحث حجاب است. آدم می‌بیند که اینها مغفول می‌شود و مورد توجه نیست. بنابراین گاهی اساساً کتاب یا مقاله‌ای با عنوانی دیگر است؛ اما در باب آیات الأحکام یا

۱. این کتاب به بررسی فقهی و قرآنی بخشی از آیات الأحکام در موضوع معاملات می‌پردازد. نویسنده با بررسی دقیق و همه‌جانبه مسایل و مراجعه به کتاب‌های آیات الأحکام شیعه و سنی، مطالب ارزشمندی را با دسته‌بندی جدیدی از لحاظ لغت، اعراب، شأن نزول و جمع‌بندی نظرات گوناگون ارایه کرده است. این اثر توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس چاپ شده است.

۲. آیت‌الله دکتر احمد بهشتی، در کتاب «منشور عفاف» به تفسیر سوره نور پرداخته است. این کتاب توسط بوستان کتاب قم چاپ شده است.



فقه‌پژوهشی قرآنی نیز حرف دارد. این منابع پراکنده‌اند و متأسفانه امروز اگر بخواهیم تتبعی کرده باشیم گوشه‌کنارها، مطالب نغز و بکر هم فراوان است.

تفسیر علامه طباطبائی و آیت‌الله صادقی از «تفسیر»

راجع به آیات الأحکام و اینکه ایشان متفرد به این رأی است باید عرض کرد که رأیش دقیقاً می‌شود گفت هم شاذ و هم خیلی سخت است. یعنی مثلاً مگر با علوم غریبه می‌شود ثابت شود که نماز صبح، دو رکعت است و بعد بگوییم این را از خود قرآن درآوردیم!

درباره علامه طباطبائی ظاهراً مبنای ایشان این است که ائمه علیهم‌السلام نیز به عنوان نمونه‌های کامل از مفسران و کسانی که می‌توانند قرآن را تفسیر کنند هستند. اما آشنایان به علم تفسیر نیز با الگوگیری از روش آنها می‌توانند تفسیر کنند. این مبنا اگر باشد، به خود علامه هم برمی‌گردد. عرض کردم اینکه علامه با روایات چه می‌کند، مورد بحث است. آن وقت شاید روشن‌ترین چیزی که این را حل کند، صحبتی است که آقای معرفت سه‌روز قبل از فوت داشتند. این مطلب به عنوان سخنرانی منتشر و در مجموعه آثار ایشان چاپ شده است و ما نیز آن را در یکی از شماره‌های فصلنامه پژوهش‌های قرآنی آوردیم. ایشان آنجا دقیقاً تحلیل می‌کند که علامه چه می‌گوید. چکیده حرف ایشان این است که ائمه علیهم‌السلام هرچه به ما یاد داده‌اند، روش استفاده از خود قرآن است و الگوی عملی تفسیر قرآن به قرآن را به ما یاد داده‌اند و بنابراین حرف علامه این است که قرآن خودبسنده و خودبین است. قرآن وقتی دیگران را هدایت می‌کند و برای بقیه تبیین‌کننده است، خودش بین و روشن است. همه اینها درست است، ولی نقش ائمه علیهم‌السلام هم هرگز انکار نمی‌شود؛ زیرا آنها به ما این الگو را یاد دادند. بعد ایشان این را تشبیه می‌کند با همان بحث اجتهادی که ما می‌گوییم: «علینالقاء الأصول وعلیکم التفریع» شبیه همین را در بحث تفسیر نیز وارد می‌دانند و حتی نمونه‌هایی را هم مصداق می‌آورند. این بحث بعداً با بحث ایشان



در باب ظهر و بطن^۱ تکمیل می‌شود که در واقع یکی از دستاوردهای روشن و ارزشمند اندیشه مرحوم معرفت، حل کردن مسئله ظهر و بطن بود که با زاویه‌ای نو بیان شد.

این زاویه از بحث، پرورده‌اش محفوظ است و هم علامه باید پاسخ دهد و هم کسانی مثل آقای معرفت. البته آقای صادقی هم به این موضوع کم نپرداخته، چه در مقدمه الفرقان و چه ذیل آیه هفت آل عمران، و در بحث محکم و متشابه که همه به شرح و بسط بحث پرداخته‌اند.^۲

ارتباط فقه و قرآن

بین فقه و قرآن مباحث مشترک هست و از لحاظ فقهی نگاه به قرآن، نگاه به یکی از منابع فقهی است؛ بنابراین اساساً قرآن در عرض فقه نیست. قرآن مهیمن و مسیطر و منبع تغذیه فقه است. البته شما بین تفسیر و علوم قرآنی هم یک مرز مشخص نمی‌گذارید. ما خطاب به دانشجویان علوم قرآنی می‌گوییم که شما دانشجویان علوم برون قرآنی هستید و تفسیر، یک علم درون قرآنی است. گرچه آقای قرآنی، نقلی دارند که علوم قرآنی یعنی اینکه دور استخر بدوی و هیچ‌وقت در آب شیرجه نزن! و لذا مفسر یعنی اینکه بروی در آب تر شوی و تن به آب بزنی. اما نمی‌شود این را همه جا گفت. علوم قرآنی ما آکنده از تدقیقات در فهم آیه و محتوای آن است. من می‌خواهم بگویم این مرزها همه جا دقیق نمی‌تواند باشد و بعد هم کسی که می‌خواهد کارکرد بحث را ببیند، مجبور است گاهی از این مرز، تعدی کند و این طرف و آن طرف رفته و به هر دو

۱. ظاهر یا ظهر قرآن، در مقابل باطن یا بطن قرآن است. این دو اصطلاح در روایات با صراحت ذکر شده‌اند. منظور از ظاهر قرآن، معنایی است که هر آشنایی به لغت عرب بی‌درنگ آن را می‌فهمد. البته ظاهر در صورتی حجت است که قرینه عقلی یا نقلی معتبر بر خلاف آن نباشد؛ مانند: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مانده: ۳۸) «و مرد و زن دزد دستشان را جدا کنید». از کلمه «فاقطعوا» دو احتمال به ذهن می‌آید: ۱. جدا ساختن دست؛ ۲. مجروح کردن آن. ولی چون احتمال اول رجحان دارد، گفته‌اند آیه در معنای قطع، ظاهر است.

باطن یا بطن قرآن، مقابل ظاهر یا ظهر قرآن است. این دو اصطلاح هر چند در قرآن با صراحت نیامده و برخی آن را از ساخته‌های باطنیان دانسته‌اند، اما بسیاری از آیات بر آن دلالت دارند؛ مانند «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران: ۷) براساس این آیه، تأویل بخشی از آیات قرآن را فقط خدا و راسخان در علم می‌دانند و این همان باطن قرآن است.



حوزه نگاه بیندازد. بنابراین، درهم‌تیدگی شدید بحث فقه و قرآن مورد بحث ما بود و آن چهار مدخل اصلی (فقه القرآن، آیات الأحکام، تفسیر فقهی و فقه قرآنی) کاملاً متناظر و مرتبط با هم هستند. من این را عرض کردم ضمن اینکه برای هر کدام یک محدوده‌ای هست که قابل تعریف است.

آشنایی با سخنران

حسن حکیم‌باشی، متولد ۱۳۴۵ ش در تهران است. وی در سال ۱۳۵۴ ش وارد حوزه علمیه مشهد شد و پس از گذراندن دروس سطح حوزه، درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات میرزاعلی فلسفی و سید حسن مرتضوی فراگرفت. ایشان در تفسیر نیز از محضر حضرات آیات، زنده‌یادان میرزا جواد آقا تهرانی، محمدصادق سعیدی کاشمیری و سیدعزالدین زنجانی و محمدهادی معرفت رحمته‌الله بهره برد.

استاد حکیم‌باشی در رشته‌های فقه، علوم قرآنی و تفسیر در حوزه علمیه مشهد مقدس و دانشکده علوم قرآنی و مرکز تربیت مدرس قرآن و سایر مراکز به مدت ۲۰ سال سابقه تدریس دارد. او هم‌زمان در سمت‌های اجرای زیر نیز در خدمت به قرآن و فرهنگ اسلامی کوشیده است: معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷)؛ پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ مدیرگروه پژوهشی قرآن در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی؛ رئیس کتابخانه و اطلاع‌رسانی دفتر تبلیغات مشهد، مشاور ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی مشهد و همکار علمی با فصل‌نامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های قرآنی» در سطوح مدیریت، تألیف مقالات، و نظارت علمی.

در زمینه آثار علمی می‌توان به همکاری وی در مجموعه «فرهنگ موضوعی تفاسیر» اشاره کرد که به صورت مشترك با جمعی از محققان قم و مشهد تألیف و در سال ۱۳۸۰ چاپ شد. وی کتاب «نقد شبهات پیرامون قرآن کریم» اثر استاد محمدهادی معرفت را نیز با همکاری چند قرآن‌پژوه در سال ۱۳۸۵ ترجمه کرد.



از مقالات اوست: در فصلنامه پژوهش‌های قرآنی: اهل بیت و اسباب نزول (ش ۱)؛ سبب نزول آیه ولایت (ش ۲)؛ مصحف علی علیه السلام یا نخستین صحیفه تفسیری (ش ۵ و ۶)؛ آیه نشوز و ضرب زن از نگاهی دیگر (ش ۲۷ و ۲۸)؛ زن در نگاه قرآن و در فرهنگ زمان نزول (۲ بخش: ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵)؛ طبرسی اسوه و الگوی مفسران (ش ۲۹ و ۳۰)؛ قرآن و دیگر آیین‌ها و فرهنگ‌ها (۲ بخش: ش ۳۱ و ۳۲)؛ حقوق بشر در قرآن (ش ۳۵ و ۳۶)؛ فتوحات رازی (ش ۴۱)؛ معرفی توصیفی شبهات و ردود حول القرآن الکریم (ش ۳۳). پزشکی در قرآن (سلسله مقالاتی در روزنامه قدس، سال‌های ۱۳۷۱ و ...). آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی و پژوهش در مطبوعات دینی (فصل‌نامه پژوهش و حوزه، ش ۲۳ و ۲۴) و ...

برای مطالعه بیشتر

۱. اسلامی، رضا، مدخل علم فقه (درس ۱۴: شناخت آیات الأحکام)، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴ ش.
۲. بابایی، رضا، زمینه‌های ذهنی و تاریخی تفسیر اجتهادی، فصلنامه پژوهش و حوزه، ش ۱۹-۲۰، ص ۹۴، ۱۳۸۳ ش.
۳. بابایی، علی‌اکبر، مکاتب تفسیری، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۱ ش.
۴. جوادی‌آملی، عبدالله، مقدمه ترجمه تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۵. حسینی، میرابوالفتح گرگانی، تفسیر شاهی، بی‌جا، نوید شیراز، ۱۳۶۲ ش.
۶. حلّی، ابن‌ادریس، محمدبن‌منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۷. خوبی، سیدابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالزهراء للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۵ ق.
۸. شهبایی، محمود، ادوار فقه (جلد دوم، آشنایی با آیات الأحکام)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۹. صادقی‌تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۱۰. صرامی، سیف‌الله، جایگاه قرآن در استنباط، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. فاضل‌مقداد، کزّ العرفان فی فقه القرآن، قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۰ ش.



۱۲. کلاتنری، علی‌اکبر، مقاله «پیدایش و تطور کتاب‌های فقه‌القرآن»، مجله فقه، شماره ۱۷.
۱۳. مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳ پاییز ۱۳۷۴ (ویژه قرآن و فقه)، و شماره ۹-۱۰ بهار و تابستان ۱۳۷۶ (ویژه تفسیر المیزان)، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.
۱۴. معرفت، محمدهادی، تعلیق و تحقیق عن أمهات مسایل القضاء، قم، بی‌نا، بی‌تا.
۱۵. واعظ‌زاده خراسانی، محمد، جوله فی آیات الاحکام، (مقدمه کنزالعرفان).
۱۶. هاشم‌زاده، محمدعلی، مقاله «کتاب‌شناسی احکام قرآن، براساس ترتیب قرن»؛ نشر یافته در مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳ پاییز ۱۳۷۴ (ویژه قرآن و فقه)، صفحات ۱۶۵-۱۸۴.
۱۷. هاشمی‌رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.